

موضوع: برخی ابهامات و ایرادات ناظر بر طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

احتراماً همانگونه که مستحضرید طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران که به درستی میتوان از آن به عنوان رکن اصلی حرکت اقتصادی کشور یاد کرد، در مجلس شورای اسلامی تصویب و جهت بررسی به شورای محترم نگهبان قانون اساسی ارسال شده است. از زمان اعلام وصول این طرح تا زمان بررسی و تصویب، اشخاص مختلف با دیدگاههای متفاوتی نسبت به این طرح و عواقب و تبعات گوناگون آن، اظهار نظر کردهاند. علیرغم تذکرات و انتقادهای کارشناسی فراوان، به نظر میرسد طراحان و حامیان محترم طرح که دلسوزانه به دنبال اصلاح وضعیت اقتصادی کشور هستند، با این تصور که مشکل اساسی وضع موجود عدم استقلال بانک مرکزی از دولت است، بر این پیش فرض پافشاری میکنند. اما به نظر میرسد طرح حاضر نه تنها تأمین کننده نظر غایی طراحان نخواهد بود بلکه استفاده از عبارات و کلمات مبهم و واگذاری تصمیم گیری به بانک مرکزی، قدرتی ما پیشاء را بوجود خواهد آورد که با اتکاء به اختیارات تفسیر پذیر و تمسک به عباراتی کلی، عملاً پویایی اقتصادی کشور به خصوص در اموری که با فناوریهای نوین مالی ارتباط دارد را سلب خواهد کرد.

از سوی دیگر در طرح مذکور، بانک مرکزی از یک نهاد سیاستگذار و تصمیم ساز به یک نهاد اجرایی و ابربنگاهداری اقتصادی تبدیل میشود که حتی دامنه این فعالیت و سلطه به شرکتهای بخش خصوصی نیز قابل تعمیم است. بدین شرح که در تبصره (2) بند (ب) ماده (4) مقرر شده است «بانک مرکزی میتواند بخشی از وظایف غیرحاکمیتی خود را از طریق شرکتهای تابعه یا وابسته به خود انجام دهد. سهام بانک مرکزی در شرکتهای تابعه یا وابسته به آن بانک که «اشخاص تحت نظارت» به هر میزان سهامدار آنها هستند، به عنوان سهام ممتاز تلقی شده و تعیین اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل و کلیه اختیارات مدیریتی شرکتهای مزبور با بانک مرکزی است» بر اساس این ماده و از آنجا که در طرح حاضر وظایف غیرحاکمیتی بانک مرکزی تعریف نشده است و معیار و ضابطههای برای تشخیص این امر وجود ندارد، بانک مرکزی میتواند فعالیتهای اقتصادی مد نظر خود را از طریق شرکتهای تابعه یا وابسته به خود و یا شرکتهایی که «اشخاص تحت نظارت» به هر میزان سهامدار آن هستند، انجام دهند. با توجه به تعریف «اشخاص تحت نظارت» در بند (ذ) ماده (1) که «کلیه مؤسسات اعتباری، صندوقهای قرض الحسنه، تعاونیهای اعتبار و سایر مؤسسات سپرده پذیر؛ شرکتهای واسپاری (لیزینگ)؛ صرافیها؛ شرکتهای مدیریت داراییهای مؤسسات اعتباری، شرکتهای اعتبار سنجی ارئه دهنده خدمات به مؤسسات اعتباری؛ و سایر اشخاصی که به انجام عملیات یا ارائه خدمات بانکی، ارائه ابزارهای پرداخت و سایر فعالیتهای مرتبط اشتغال دارند، در این قانون، با عنوان شخص تحت نظارت یاد میشوند. تشخیص مصادیق، بر عهده بانک مرکزی است»، عملاً بانک مرکزی میتواند فعالیتهای اقتصادی گستردهای را از طریق طیف وسیعی از مؤسسات و شرکتهای انجام دهد. به عنوان مثال اقداماتی نظیر خرید و فروش و طلا و ارز، دریافت کارمزد در برابر ارائه خدمات، ایجاد زیرساختهای فنی لازم، ایجاد و توسعه بسترهای اطلاعاتی و... ملاحظه میشود طرح حاضر امکان بنگاهداری کلان در حوزه پولی و مالی کشور را نه تنها در بعد نرمافزاری و اطلاعاتی بلکه در بعد سختافزاری نیز به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واگذار میکند. به نظر میرسد چنین تصمیمی مغایر با رسالت مد نظر طراحان اولیه بوده است. ضمن آنکه تعارض منافع بانک مرکزی در همین یک فقره به روشنی مشخص است. چه آنکه بانک مرکزی میتواند به نوعی سیاستگذاری کند که منافع کلانی را متوجه اشخاص تحت نظارت خود نماید. از سوی دیگر گسترش چتر نفوذ و اقتدار بانک مرکزی در طیف وسیعی از شرکتهای و مؤسسات است که با در نظر گرفتن سهم بانک مرکزی در شرکتهای تابعه یا وابسته به آن بانک که اشخاص تحت نظارت به هر میزان سهامدار آنها هستند، به عنوان سهام ممتاز و تعیین اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل و کلیه اختیارات مدیریتی آنها به بانک مرکزی، قدرتی

بدون حد و حصر در اختیار بانک مرکزی میگذارد که در صورت در نظر نگرفتن تعارض منافع و کنترل نشدن آن، تالی فاسدهای جبران ناپذیری به همراه خواهد داشت.

از جمله ابهامات دیگر مسئله انشار پول رقومی (دیجیتال) بانک مرکزی (CBDC) است. پول رقومی بانک مرکزی پس از گسترش فناوری بلاک چین مورد توجه دولتها قرار گرفت. اگر چه در نگاه اول ممکن است تنها مسئله استفاده از فناوری دفترکل توزیع شده به ذهن متبادر شود، لکن پول رقومی بانک مرکزی دارای ابعاد گسترده فنی، اقتصادی و حقوقی است. به عنوان نمونه نحوه خلق پول، ضوابط توزیع، مصرف و نگهداری، حریم خصوصی شهروندان، سطوح دسترسی به اطلاعات و نحوه کنترل، توقیف و کشف جرایم و موارد متعدد دیگر از جمله موضوعاتی است که باید توسط قانونگذار تعیین تکلیف شود و صرفاً ذکر یک عنوان کلی کافی نیست. این موضوع علاوه بر اینکه بر خلاف اصول متعدد قانون اساسی و حقوق شهروندان است، میتواند تبعات و لطمات جبران ناپذیری به اعتماد عمومی جامعه نیز وارد سازد.

موضوع مهم دیگر، مسئله رمزارزها است. بر اساس جزء (11) و تبصره (1) بند (ب) ماده (4) طرح فوق الذکر، ایجاد و توسعه بازار متشکل رمزارزهای مجاز به عهده بانک مرکزی قرار داده شده است و تصمیم گیری در خصوص جواز یا عدم جواز نگهداری و مبادله رمزارز به عهده هیأت عالی است. باید توجه داشت که نسبت مفهوم رمزارز با ارز تنها اشتراک لفظی است و اساساً غالب مصادیق آنها ماهیتاً ارز و یا پول به معنای رایج محسوب نمیشوند. این خلط مفهوم و اشتباه در برداشت موجب شده است تا موضوع رمزارز به بانک مرکزی سپرده شود. از سوی دیگر اصولاً بنای پدیده نوین رمزارزها بر این است که تحت حاکمیت هیچ نهاد رسمی قرار ندارند و به صورت غیرمتمرکز عمل میکنند، بر همین اساس مفهوم «رمزارزهای مجاز» مبهم و دارای ایراد است. باید توجه کرد با توجه به اینکه پدیده رمزارزها یا رمزارزها دارای کارکردهای چند جانبه هستند و در ماهیت آنها اختلاف نظر وجود دارد، اصولاً این مقوله نیاز به تعریف قانونی و تعیین ماهیتی دارد. واگذاری چنین امر مبهمی بدون تعریف قانونی مشخص و تعیین تکلیف متناسب با کارکردهای آن، امری بر خلاف حکمت مفروض قانونگذار است. همچنین عرصه سیاستگذاری و تنظیمگری این حوزه با نظر به جنبه‌های متفاوت آن، موضوعی فرادستگاهی و فرابخشی است که باید در تعامل سایر نهادها انجام شود.

لازم به ذکر است شورای نگهبان قانون اساسی در جریان لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در تاریخ 1 آذر 1399 در خصوص موضوع رمزارزها، ابهامی مطرح کرده است بدین شرح که «احکام ارز به رمزارزها به ویژه از این جهت که این تسری به حوزه مذکور امکان ندارد ابهام دارد»؛ لذا با توجه به توضیحات فوق و عدم رفع ابهام شورای محترم نگهبان، طرح مارالذکر نیاز به بازنگری جدی دارد. در همین راستا باید توجه کرد که در سالهای گذشته فعالیتهای کارشناسی عمیق و تخصصی در وزارت اقتصاد، ستاد تحول دولت و همچنین طرح جامعی در کمیسیون اقتصادی مجلس تنظیم شده است که به صورت تخصصی به این حوزه پرداخته‌اند و ضمن ایجاد شفافیت در تعاریف این حوزه، وظایف هر نهاد را مشخص نموده است، اما بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در مراحل مختلف و به انحاء گوناگون با اقدامات کارشناسی مخالفت کرده است و جلو پیشرفت سیر مراحل قانونی را گرفته است، ولی به یکباره و بدون در نظر گرفتن تمامی تلاشها و اقدامات فنی و کارشناسی در سطوح مختلف کشور، موضوع رمزارزها به طرح بانکداری اضافه شده است.

همانگونه که ملاحظه نمودید طرح بانکداری جمهوری اسلامی ایران، علیرغم تلاشهای قابل تقدیر طراحان و موافقان آن، دارای ایرادات اساسی است که برخی از آنها به شرح فوق آمد و ایرادات دیگر به صورت تفصیلی پیوست نامه میباشد. شایسته است با در نظر گرفتن تمامی نظرات و دیدگاهها و مصالح عالی کشور، رشد و توسعه روز افزون و ایجاد شفافیت در ساختار اقتصادی، نسبت به اصلاح و تجدید نظر در موارد و ابهامات مطروحه اقدام گردد.

پیوست؛ سایر ایرادات به شرح ذیل است:

- 1- مواد این متن، عمدتاً در چند بند ذکر شده است. این امر در تقنین مرسوم نیست. همچنین متن ذیل مواد در موارد متعدد طولانی بوده و موضوعات مختلف در آن بیان شده است.
- 2- در بند چ ماده 1، خدمات بانکی تعریف شود. تعریف به غیر نشود. تعریف ضمانت نامه و اعتبار اسنادی باید توسط قانون صورت بگیرد و به دستورالعمل بانک مرکزی ارجاع نشود.
- 3- در بند خ ماده 1 ابزارهای پرداخت تعریف نشده است. عدم تعریف می تواند در عمل به عدم شناسایی مواردی همچون رمزارزها به عنوان ابزار پرداخت منجر شود.
- 4- در بند د ماده 1 تشخیص اشخاص مرتبط به بانک مرکزی واگذار شده است. در حالی که باید توسط قانون مشخص شود. معنای اعمال نفوذ نیز مبهم است.
- 5- در بند پ ماده 2، ارتقای سلامت، اثربخشی و پاسخگویی شبکه بانکی از اهداف قانون ذکر شده است. در حالی که در بند ح ماده 1 بانک به همراه موسسه اعتباری غیربانکی، مصداق موسسه اعتباری قلمداد شده است. با این وصف، سلامت و اثربخشی و پاسخگویی موسسات اعتباری غیربانکی از اهداف مزبور خارج می ماند.
- 6- در جزء 2 بند ب ماده 3 موسسات اعتباری غیربانکی ذکر نشده است.
- 7- برای اهداف مندرج در بند ب ماده 3، آیا ابزاری در ماده 4 در اختیار بانک مرکزی جهت تحقق آنها نهاده شده است یا خیر؟ برای نمونه در خصوص کنترل تورم، ابزار متناظری وجود ندارد.
- 8- در جزء 10 بند الف ماده 4 در خصوص انعقاد پیمان های پولی با سایر کشورها، قید با رعایت اصل 77 قانون اساسی افزوده شود.
- 9- در بند 14 ماده 4 تنظیم گری در حوزه رمزارزها به بانک مرکزی سپرده شده است. در این حوزه باید قوانین مفصلی به تصویب برسد و واگذاری این موضوع به بانک مرکزی صحیح نیست و مغایرت با اصل 85 نیز مطرح می باشد.
- 10- در بند ب ماده 4، رمزپول و پول الکترونیکی ابهام دارد. مفهوم و منظور از آنها مشخص شود.
- 11- در تبصره 1 بند ب ماده 4 معیار تشخیص مشارکت بانک مرکزی و شرکت ها و موسسات تابعه با اشخاص تحت نظارت و اشخاص مرتبط، مشخص نیست. مضافاً آیا مفاد ماده موضوعیت دارد؟ آیا بانک مرکزی دارای موسسات و شرکت های تابعه است؟
- 12- در بند الف ماده 6 عضویت رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه در مجمع عمومی مغایر اصل 60 قانون اساسی است.
- 13- در بند ب ماده 7 مقرر ساختن لزوم موافقت رهبری جهت عزل و نصب دو عضو هیات عالی، مغایر اصل 110 قانون اساسی است.
- 14- در بند ت ماده 7 قید قرعه جهت دو ساله بودن یا چهارساله بودن مدت عضویت یکی از اعضاء حقیقی هیات عالی ذکر شود.
- 15- در بند (ج) و (چ) ماده 7 از شرایط اعضاء حقیقی هیات عالی نام برده شده است، اما صرفاً یک شرط ذکر شده است.
- 16- بندهای (ح)، (خ) و (د) ماده 7 باید ماده مستقل باشند.
- 17- در ماده 7 جایی اعضای بندهای 4 و 5 ذکر شده و جایی دیگر اعضای حقیقی هیات عالی. هماهنگ شوند.
- 18- در جزء 4 بند د ماده 7 در خصوص شرایط اعضاء حقیقی هیات عالی، منظور از سابقه مشخص نیست. سابقه اشتغال منظور است یا تحصیلات یا موارد دیگر؟

- 19- در جزء 7 بند د ماده 7 در خصوص شرایط اعضاء حقیقی هیات عالی، حرف (و) اضافه است. مضافاً دلیل انتخاب عدم محکومیت به سه مجازات بند (د)، (و) و (ی) ماده 9 قانون رسیدگی به تخلفات اداری و عدم ذکر دیگر مجازات ها چیست؟
- 20- جزء 6 و 7 بند د ماده 7 (نداشتن سابقه محکومیت کیفری و تخلفات مالی- عدم محکومیت به سه مجازات مندرج در قانون رسیدگی به تخلفات اداری) همخوانی و تطابق ندارند. یکی مبتنی بر تفسیر مضیق است و دیگر تفسیر موسع. مضافاً منظور از تخلفات مالی چیست؟
- 21- در بند ذ ماده 7 امکان انتخاب نماینده توسط وزیر جهت شرکت در جلسات هیات عالی، صحیح نیست. اهمیت هیات عالی ایجاب می نماید که خود وزیر شرکت نماید و در صورت عدم امکان شرکت، معاون وی شرکت نماید.
- 22- در ماده 7 و در متن سوگند به رعایت قوانین اشاره نشده است.
- 23- در ماده 8 و قبل از متن ماده، عنوان وظایف هیات عالی زائد است.
- 24- در بند 6 ماده 8 مبنی بر اجازه هیات عالی برای تاسیس موسسات و سازمان های تابعه بانک مرکزی، موسسه و سازمان تابعه شرکت دولتی قاعدتاً ماهیت دولتی دارد و تاسیس آن باید به حکم مجلس شورای اسلامی باشد.
- 25- در بند 8 ماده 8 مقرر شده تصویب و تفریغ بودجه سالانه بانک مرکزی از وظایف هیات عالی است. مغایر اصل 52 قانون اساسی است. مطابق اصل مزبور، تصویب بودجه سازمان های دولتی با مجلس و تفریغ با دیوان محاسبات است.
- 26- در بند 9 ماده 8 به سایر پول های ملی اشاره شده است که مبهم است و مشخص نیست.
- 27- در بند 10 ماده 8 در خصوص تعیین سقف نرخ سود سپرده های سرمایه گذاری و تسهیلات، اشاره به قانون بانکداری بدون ربا لازم است.
- 28- در بند 14 ماده 8 گزارش دادن رئیس کل به مجلس شورای اسلامی مغایر اصول متعدد قانون اساسی است. در قانون اساسی مقامات قوه مجریه که ملزم به پاسخگویی در قبال مجلس شده اند، احصاء شده است.
- 29- در ماده 8، اعطای صلاحیت های اجرایی به هیات عالی، نظارت مجلس و مسئولیت رئیس کل را منتفی می سازد. باید فقط صلاحیت های سیاستگذاری به این هیات واگذار شود.
- 30- بند ت ماده 11 در خصوص جرم بودن عدم رعایت ضوابط محرمانگی و عدم تعیین ضوابط مزبور در قانون، مغایر اصل 85 و 36 قانون اساسی است. جرم باید توسط قانون مشخص شود.
- 31- در بند الف ماده 13 اشاره به معاون سیاستگذاری و دیگر معاونین که دلالت بر لزوم وجود آنها دارد، مغایر اصل 60 قانون اساسی است. ساختار داخلی سازمان نباید توسط مجلس تعبیه شود.
- 32- در بندهای ب ماده 13 و 14 وظایف کمیته های سیاستگذاری پولی و تنظیم گری و نظارت بانکی، وظایف دبیرخانه ای است. لزومی به ایجاد کمیته جهت انجام این وظایف نیست.
- 33- در بند ب ماده 15 نصب قائم مقام رئیس کل با حکم رئیس جمهور صحیح نیست. مغایر نظام اداری صحیح و بند 10 اصل 3 قانون اساسی است.
- 34- بند پ ماده 15 با ماده 16 در خصوص اختیارات رئیس کل با هیات عامل همپوشانی دارد. اعطای وظایف اجرایی به هیات عامل، مواجه با ایراد ابهام در نحوه مسئولیت است.
- 35- در بند 8 ماده 16 در خصوص اینکه تنظیم بودجه و تفریغ بودجه بانک مرکزی از وظایف رئیس کل بانک مرکزی است مغایر اصل 52 قانون اساسی است. تهیه بودجه با دولت و تفریغ بودجه با دیوان محاسبات است.
- 36- در بند 1 ماده 16 «نصب و عزل» صحیح است. نصب و عزل مدیران ابهام دارد. مدیران تا چه سطحی؟ کلیه مدیران؟

- 37- در بند 2 ماده 16 ذکر شده است رئیس کل سخنگویی بانک مرکزی و هیات عالی است. سخنگویی هیات عالی زائد است. سخنگویی بانک مرکزی برای همه ارکان بانک کفایت می نماید.
- 38- در بند 4 ماده 16 در خصوص وظیفه رئیس کل در امضای قرارداد و توافقنامه به نمایندگی از بانک مرکزی، قید با رعایت اصل 77 قانون اساسی درج شود.
- 39- در بند 5 ماده 16 بیان شده طرح دعوا به جز مواردی که بر عهده معاون تنظیم گری قرار گذاشته شده بر عهده رئیس کل است. صلاحیت طرح دعوا بر عهده رئیس باید باشد.
- 40- در بند 6 ماده 16 در خصوص اینکه طراحی ساختار و حکمرانی داخلی وظیفه رئیس کل است، به ذکر حکمرانی داخلی نیاز نیست. ساختار کفایت می نماید که آن هم باید به تایید سازمان اداری استخدامی برسد وگرنه مغایر اصل 126 قانون اساسی است. قید مزبور درج شود.
- 41- در تبصره 2 ماده 16 تعیین اختیارات برای قائم مقام رئیس کل بانک مرکزی صحیح نیست و مغایر نظام اداری و بند 10 اصل 3 قانون اساسی صحیح است.
- 42- در بند الف ماده 17 انتخاب هیات نظار به پیشنهاد رئیس جمهور صحیح نبوده و مغایر نظام اداری صحیح و بند 10 اصل 3 قانون اساسی است.
- 43- در بند چ ماده 17 ضرورتی به تایید آئین نامه توسط رئیس جمهور وجود ندارد.
- 44- در بند ج ماده 18 «مغایرت یا عدم مغایرت» نمی تواند هر دو همزمان باشد. مغایرت حذف شود. عدم مغایرت رای گیری می شود.
- 45- بند د ماده 18 در خصوص ایجاد دبیرخانه شورای فقهی و کمیته های آن مغایر اصل 75 قانون اساسی است.
- 46- در بند ت ماده 19 «رئیس هیات» رئیس محسوب شده است که نیازمند اصلاح است. احتمالاً منظور قاضی هیات است.
- 47- در بند ث ماده 19 واژه «قانون» قبل از «آیین دادرسی کیفری» افزوده شود. مضافاً مشخص نیست کدام قسمت از قانون آئین دادرسی کیفری باید رعایت شود.
- 48- در بند ذ ماده 19 در خصوص عدم امکان اعتراض به آرای هیات انتظامی تجدیدنظر در مراجع قضایی، مغایر اصول 34 و 173 قانون اساسی است.
- 49- در ماده 21 انعقاد پیمان ها باید با رعایت اصل 77 باشد. قید مزبور درج شود.
- 50- در بند پ ماده 23 در خصوص لزوم گزارش وضعیت مطالبات و تعهدات بدهی های دولت به مقامات ذیربط توسط رئیس کل، منظور از مقامات ذیربط چیست؟ ابهام دارد. ارتباط این بند با ماده 24 قانون محاسبات عمومی چیست؟ تکرار همان ماده است یا خیر؟
- 51- در بند ب ماده 26 در خصوص امکان شرکت رئیس کل بانک مرکزی در جلسات هیات وزیران، هیات وزیران در قانون اساسی مصرح است و اعضای آن وزیران هستند و لاغیر. قانونگذاری در خصوص حضور رئیس کل بانک مرکزی در این هیات، مغایر اصل 60 قانون اساسی است. هیات وزیران خود می تواند حضور اشخاص دیگر را در جلسات بپذیرد، اما تقنین در این خصوص مغایر اصل فوق الذکر است. در حال حاضر رئیس کل بانک مرکزی در جلسات هیات دولت حضور دارد.
- 52- در بند ب ماده 27 الزام به حضور و پاسخگویی رئیس کل بانک مرکزی در مجلس، مغایر اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصول 88 و 89 است. مقامات اجرایی ملزم به پاسخگویی در مقابل مجلس در قانون اساسی مشخص شده اند. وحدت ملاک حاصل از نظر شماره 89/30/41114 مورخ 1389/10/15 شورای نگهبان در خصوص لایحه برنامه پنجم توسعه دال بر این موضوع است.

- 53- در مواد 28، 29، 31 و 32 اعطای مسئولیت های مزبور به صورت مستقیم به معاون تنظیم گری محل ایراد است. دخالت در اجراء بوده و مغایر اصول 60 و 126 قانون اساسی است. باید بر عهده بانک مرکزی به صورت کلی یا بر عهده رئیس کل قرار گیرد.
- 54- در بند ت ماده 31 در خصوص تصویب دستورالعمل ها قید «با رعایت قوانین ذیربط» باید تصریح شود.
- 55- در جزء 1 بند ت ماده 31، شرایط صدور، تعلیق و لغو و تمدید مجوز باید در قانون مشخص شود.
- 56- در جزء 7 بند ت ماده 31 در خصوص اختیار معاون تنظیم گری در رسیدگی به شکایات از اشخاص تحت نظارت، رسیدگی مزبور نیازمند ضوابط مندرج در قانون است.
- 57- در بند (الف) و (ب) ماده 32 «ایجاد مخاطره» و «وضعیت نامناسب» مبهم است و باید ضابطه داشته باشد.
- 58- در جزء 3 بند ب ماده 32 الزام به ذخیره گیری بیشتر ابهام دارد. تا چه حدی؟ معین شود.
- 59- جزء 8 بند پ ماده 32 در خصوص تغییر سهامداران موثر (الزام سهامداران موثر به کاهش سهام خود)، مغایر حق مالکیت است. در صورت ضرورت انجام چنین اعمالی نیز باید به لزوم جبران خسارت تصریح شود.
- 60- در ابتدای بند ت ماده 32 هر دو جمله نخست، واحد بوده و تکراری است. در هر دو موظف شده است.
- 61- در بند ت ماده 32 باید شرایط تاسیس موسسه اعتباری در قانون مشخص شود. شرایط اعضای موسس یا مدیران هم بیان شود. بر این مبنا، شرایط سرپرست موقت نیز مشخص شود.
- 62- در جزء 1 بند ت ماده 32 (از) اضافی است. تایید صلاحیت سرپرست موقت نیز باید قبل از انتصاب صورت بگیرد. مبهم است و نیازمند اصلاح عبارتی می باشد.
- 63- در ماده 33 عدم امکان اعتراض به مصوبه هیات عالی یا آرای هیات های انتظامی، مغایر اصول 34 و 173 قانون اساسی است.
- 64- در جزء 1 بند ب ماده 34 واژه (برخی) مبهم است و منتج به تبعیض می شود که مغایر بند 9 اصل 3 قانون اساسی است.
- 65- جزء 2 بند ب ماده 34 در خصوص تهیه گزارش ارزیابی کیفیت دارایی ها و اصلاح صورت های مالی، باید جزء وظایف محسوب شود و نه اختیارات. عمل مزبور مستلزم اداره و مدیریت است.
- 66- در جزء 4 بند ب ماده 34 در خصوص اختیار سرپرست موقت در استخدام اشخاص، استخدام در بخش خصوصی معنا ندارد. در بخش عمومی هم باید مطابق قانون باشد و شرایط در قانون بیان شود. به اراده شخص نمی تواند باشد.
- 67- در بند الف ماده 35 ملغی الاثر (است) و نه (می شود) صحیح است. اصلاح شود.
- 68- در بند ت ماده 35 طرح دعوی به طرفیت بانک مرکزی و موسسه اعتباری صورت می پذیرد. عدم امکان شکایت از سرپرست موقت، قائم مقام و معاونان و مدیران شخص تحت نظارت نیز مغایر اصل 34 قانون اساسی است. در خصوص منحصر کردن امکان شکایت از اقدامات اشخاص مزبور به تشخیص دادستان نیز، اینکه تشخیص دادستان چه زمانی عملی می شود ابهام دارد. آیا منوط به شکایت اشخاص است؟
- 69- در بند ت ماده 35 عدم امکان ابطال اقدامات سرپرست موقت به صورت مطلق مغایر اصول حقوقی است. اگر تصمیم یا اقدامی مغایر قانون باشد باطل است. ممکن است این اعمال حتی مجرمانه باشند. مضافا مشخص نشده است که جبران خسارت بر عهده کیست.
- 70- ماده 36 در خصوص افزایش سرمایه موسسه اعتباری، نیازمند پیش بینی محل تامین اعتبار است. ایراد معمول شورای نگهبان در این موارد مستند به اصل 75 قانون اساسی است.

71- در بند الف ماده 37 لزوم تذکر به اشخاص متخلف در دفعه نخست، برخی از تخلفات مندرج در بند الف، در سایر قوانین همزمان جرم تلقی شده است که لزوماً باید به مراجع قضایی اطلاع داده شود و صرف تذکر صحیح نیست و باید به مراجع قضایی ذیربط اطلاع داده شود. برخی از این تخلفات نیز مواردی جدی و مهم بوده و صرف تذکر دادن در دفعه نخست ارتکاب، کفایت نمی‌کند.

72- در جزء 1 بند الف ماده 37، «تلاش برای بی اثر کردن» دستورات و مقررات و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های بانک مرکزی، تخلف محسوب شده است که صحیح نیست. مثلاً شکایت در دیوان عدالت اداری جهت ابطال مقررات مزبور، اقدامی قانونی است و البته تلاش برای بی اثر کردن مقررات مزبور است. در واقع، اقدامات قانونی نیز مشمول این عنوان می‌شود که صحیح نیست. پیشنهاد می‌شود حذف شود.

73- جزء 5 بند الف ماده 37 در خصوص تخلف بودن اقداماتی که ثبات، ایمنی و سلامت نظام بانکی و اشخاص تحت نظارت یا نظام پرداخت کشور را به مخاطره اندازد، حتی الامکان برخی مصادیق ذکر شوند تا مشخص شود منظور چه اقداماتی است. اطلاق آن می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد.

74- در خط نخست جزء 7 بند الف ماده 37 واژه «یا افشاء» بعد از «ارائه» اطلاعات لازم است ذکر شود.

75- جزء 8 بند الف ماده 37 در خصوص تخلف بودن جلوگیری از اعمال نظارت بانک مرکزی، ابهام دارد. منظور نظارت‌های مقرر در قانون است یا مطلق هرگونه نظارتی؟ پیشنهاد می‌شود عبارت «که در چارچوب قوانین و مقررات انجام می‌گیرد» به انتهای این بند اضافه شود.

76- جزء 10 بند الف ماده 37 در خصوص تخلف محسوب شدن «توقف فعالیت بدون عذر موجه»، باید ضوابطی وجود داشته باشد که عدم رعایت آنها، توقف فعالیت بدون عذر موجه محسوب شود.

77- در جزء 11 بند الف ماده 37، چنانچه «اسرار بانکی» همان «اطلاعات حساب بانکی» است، نیازی به ذکر آن نیست و چنانچه غیر از اطلاعات حساب بانکی است، نیازمند تعریف است که شامل چه مواردی می‌شود.

78- در جزء 12 بند الف ماده 37 در خصوص تخلف محسوب کردن جعل یا مخدوش نمودن اسناد فیزیکی یا الکترونیکی، «مخدوش نمودن» یکی از مصادیق «جعل» است و نیاز به ذکر آن نیست. همچنین، «معدوم کردن اسناد بر خلاف قوانین و مقررات» در انتهای جمله ذکر شود.

79- در جزء 2 ماده 37، مجازات تعلیق و سلب صلاحیت در خصوص سهامدار موثر هیچ موضوعیتی ندارد.

80- در جزء 3 بند ب ماده 37، اعمال تخلفات مندرج در بند الف ماده 37 صرفاً توسط مدیران اشخاص تحت نظارت متصور است و ارتکاب این تخلفات توسط اشخاص حقوقی ممکن نیست. بنابراین معیار انتساب تخلفات مزبور به شخص تحت نظارت باید بیان شود. در واقع اصل بر ارتکاب تخلف توسط شخص حقیقی است و ارتکاب تخلف توسط شخص حقوقی خلاف اصل. بر این اساس، مجازات شخص حقوقی (اشخاص تحت نظارت) نیازمند ذکر معیار و ضابطه انتساب تخلف به شخص حقوقی است. مضافاً، زمانی که تخلف توسط مدیران صورت می‌گیرد، انتساب آن به شخص حقوقی و پرداخت جریمه از محل حقوق صاحبان سهام صحیح نیست و تضییع حقوق سهامداران است.

81- در جزء 4 و 5 بند ب ماده 37، قصور یا تقصیر حذف شود. مطلق مستند بودن تخلف به محکوم علیه کافی است.

82- جزء 6 و 7 بند ب ماده 37 در خصوص الزام معاون تنظیم‌گری به آغاز فرآیند نصب سرپرست و گریز، اولاً، اینکه الزامات مزبور، مجازات نیست و نباید در عداد مجازات‌ها بیاید. ثانیاً، مطابق بند الف ماده 37 معاون تنظیم‌گری در مقام دادستان محسوب شده و بر اساس کیفرخواست وی، هیات‌های انتظامی مبادرت به رسیدگی می‌نماید. با این وصف، صدور کیفرخواست توسط معاون تنظیم‌گری بر علیه خود متصور و منطقی نیست.

83- در تبصره ماده 37 بیان شده صدور احکام مندرج در بندهای «ج» و «چ» این ماده مستلزم تایید هیات عالی است. در حالی که ماده 37 فاقد بند «ج» و «چ» است. احتمالاً منظور جزء 6 و 7 بند ب ماده است که بیان شد موارد مزبور مجازات نیستند.

84- در بند الف ماده 38، در خصوص مجاز بودن مواردی از قبیل ایجاد اشخاص تحت نظارت یا عملیات بانکی در چارچوب مقررات مصوب هیات عالی، تعیین تکلیف در خصوص این موارد، نیازمند پیش بینی در قانون (و نه مقررات مصوب هیات عالی) است. با عنایت به اینکه در برخی قوانین نیز نسبت به موضوعات مندرج در این بند احکامی مقرر شده است، بنابراین لازم است قید «قوانین» به همراه مقررات ذکر شود. همچنین آن قسمت از ماده که بیان می دارد ارائه عملیات و خدمات بانکی منوط به مجوز بانک مرکزی است به جز مواردی که هیات عالی معاف نماید، مغایر اصل 85 قانون اساسی است. موارد استثنا نیز باید در قانون مشخص شود.

85- در بند الف ماده 38، متوقف ساختن فعالیت اشخاص فاقد مجوز از بانک مرکزی، مستقیماً توسط نیروی انتظامی بدون حکم دادگاه صحیح نبوده و نظر به مجازات بودن آن، باید به موجب حکم دادگاه باشد. در غیر اینصورت مغایر اصل 36 قانون اساسی است. بیان شده نیروی انتظامی ابتدا متوقف نماید و سپس بلافاصله گزارش دهد. ابهام دارد. اصولاً باید نخست اطلاع داده شود و پس از صدور حکم قضایی اقدام به توقیف شود. اطلاع به معاونت تنظیم گر صحیح نیست، مغایر اصل 60 قانون اساسی است و باید به بانک مرکزی اطلاع داده شود. اطلاعات سپاه در کنار وزارت اطلاعات و نیروی انتظامی به عنوان ضابط ذکر شود.

86- در جزء 1 بند ب ماده 38 در خصوص اینکه مرتکب به مجازات درجه 5 یا 6 محکوم می شود، نظر به اینکه هرکدام از مجازات های مزبور درجات متعدد از قبیل (حبس تعزیری، شلاق، جزای نقدی و ...) دارند، بنابراین صرفاً یکی از درجات 5 یا 6 ذکر شود. در غیراینصورت بسیار موسع بوده و مغایر اصول مجازات ها و همچنین اصل 36 قانون اساسی نیز خواهد بود. مضافاً، در مجازات های تعزیری درجه 5 و 6، مجازات جزای نقدی نیز وجود دارد. با این وصف، حکم مقرر در این جزء حاوی دو مجازات جزای نقدی می شود که صحیح نیست. اگر منظور جمع این دو جزای نقدی یا جایگزینی جزای نقدی مقرر در این بند به جای جزای نقدی مقرر در درجات 5 و 6 است باید تصریح شود.

87- در جزء 2 بند ب ماده 38 بیان شده مدیران و مدیرعامل و سهامداران موثر و ... در قبال اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی خواهند داشت. با عنایت به ابهام در شمول اشخاص ثالث به سهامداران غیرموثر، «سهامداران غیرموثر» پیش از اشخاص ثالث ذکر شود. همچنین انتهای این جزء ارتباطی به ماده ندارد.

88- بند پ ماده 38 باید در قالب ماده مستقل بیاید. ارتباطی به صدور ماده 38 ندارد.

89- در جزء 4 بند ب ماده 37 در خصوص مسئولیت سهامدار موثر در صورت شخص حقوقی بودن، نحوه و میزان مسئولیت مدیران آن و خود شخص حقوقی باید مشخص شود. مضافاً واژه «سهامدار موثر» در این جزء تکرار شده است و لازم به حذف است.

90- در بند پ ماده 38 آیا رسیدگی مستقیم شعب نافی وجود دادسرا است؟ از این جهت ابهام دارد. اصولاً، قید خارج از نوبت کفایت می نماید و پیشنهاد می شود واژه «مستقیماً» حذف شود.

91- در ماده 39، ممنوعیت اعطای پروانه فعالیت تا چه زمانی مدنظر است؟ مبهم است. مجازات مزبور وسیع و غیرمتناسب است. مضافاً اینکه این ممنوعیت اعطای پروانه در چه زمینه ها و حوزه هایی مدنظر است؟ و توسط چه دستگاه ها و نهادهایی؟

92- در ماده 39، ممنوعیت ارائه خدمت تا چه زمانی مدنظر است؟ مبهم است. مجازات مزبور وسیع و غیرمتناسب است. شامل هرگونه ارائه خدمتی از جمله فروش کالا نیز می شود که صحیح نیست. این ممنوعیت در چه زمینه ها و حوزه هایی مدنظر است؟ و توسط چه دستگاه ها و نهادهایی؟

93- در ماده 39، اصطلاح «استفاده آگاهانه» مبهم است. اگر منظور این است که این اشخاص حتما باید مجوز جهت انجام کارها و فعالیت داشته باشند، نیاز به عبارت پردازی دیگری دارد.

94- در ماده 39 در خصوص محکومیت به یک یا چند مورد از مجازات های درجه 5 ماده 19 قانون مجازات، «یک یا چند مورد» حذف شود. مجازات درجه 5 کفایت می نماید.

95- در بند الف ماده 40 ضمانت اجرای ممنوعیت انتشار آگهی و تبلیغ اشخاص تحت نظارت بدون مجوز از بانک مرکزی توسط رسانه ها، مشخص نیست. مضافا اجرای ممنوعیت در خصوص رسانه های خارجی امکان پذیر نیست. همچنین برای خود تبلیغات کننده بدون مجوز نیز ممنوعیت و ضمانت اجرایی مقرر نشده است.

96- در بند ب ماده 40 معیار و ملاک نظارت بانک مرکزی بر محتوای تبلیغات اشخاص تحت نظارت مشخص نیست. با عنایت به اینکه مقرر شده بانک مرکزی بر این تبلیغات نظارت داشته و در صورتی که دستور توقف تبلیغات در رسانه ها را اعلام نماید و رسانه ای تبعیت ننماید، جرم خواهد بود، ابهام در معیار و ملاک نظارت مزبور مغایر اصل 36 قانون اساسی است که مستلزم ذکر همه ارکان جرم در قانون است.

در خصوص مجازات جریمه 10 برابر هزینه تبلیغ یا جزای نقدی درجه 3، مجازات 10 برابر، بسیار بیشتر از مجازات دوم است. لذا درج مجازات دوم معنا ندارد. مضافا اینکه جریمه 10 برابری بسیار زیاد است و به نظر می رسد که با جرم تناسب ندارد. انفصال 1 تا 5 سال هم زیاد است.

در خصوص جمله «تخلف رسانه ها از این حکم...»، این ابهام وجود دارد که اصولاً تبلیغات مجاز دارای چه قواعد و ضوابطی است. ضمن اینکه ممانعت از استمرار تبلیغات می تواند موجب بروز خسارات شود. لذا پیشنهاد می شود نظارت بانک مرکزی پیشینی باشد و مجوز تبلیغات بدهد. این شیوه در راستای پیشگیری از جرم ارجحیت دارد. با این شیوه، اگر بدون مجوز بانک مرکزی تبلیغات بشود، هم تبلیغ کننده و هم رسانه متخلف شناخته شود. می توان برای اعلام نظر بانک مرکزی در خصوص تبلیغات مدت معقولی (مثلاً 20 روز) را قرار داد و عدم اعلام نظر را به منزله تأیید قلمداد کرد.

ضمناً در ذیل بند، به جای «مقام مسئول»، «مقام مربوط» صحیحتر است.

97- درج ماده 41 ضرورت ندارد. جرم نشر اکاذیب در قالب سنتی در ماده 698 مجازات اسلامی بخش تعزیرات و در قالب رایانه ای در ماده 746 قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مقرر شده است و شامل همه مصادیق از جمله موضوع مقرر در ماده 41 می شود. لزومی به پیش بینی این موضوع به صورت مجزا وجود ندارد. مضافا اینکه انتشار به صورت رایانه ای، مطابق ماده 41 مواجه با مجازات 698 است که مجازات نشر اکاذیب به صورت سنتی است و این ناهماهنگی در چارچوب قانونی حاکم را موجب خواهد شد.

98- در ماده 42 به جای ماده 1 قانون اصلاح قانون اجرای سیاست های اصل 44 قانون اساسی مصوب 1397، «ماده 5 قانون اجرای سیاست های کلی اصل 44 قانون اساسی» ذکر شود. چرا که ماده 1 مزبور، اصلاحیه ماده 5 می باشد.

صدور مجازات جزای نقدی توسط هیات انتظامی، ممکن نیست. هیات مزبور مرجعی شبه قضایی است و صدور حکم به مجازات های کیفری صرفا در صلاحیت مراجع قضایی است. مجازات تا یک میلیارد ریال به ازای هر روز، زیاد و غیر متناسب است. مجازات مزبور در کنار مجازات تصرف عدوانی نیز مجموعاً سنگین و غیرمتناسب است.

در خصوص تایید صلاحیت سهامداران موثر توسط بانک مرکزی، نخست اینکه در قانون اجرای سیاست‌های اصل 44 قانون اساسی، در خصوص تایید صلاحیت توسط بانک مرکزی سخنی ذکر نشده است. در این طرح نیز ماده ای به این موضوع اختصاص نیافته است. معیارهای تایید صلاحیت نیز مشخص نشده است. در خصوص تایید صلاحیت عمومی و حرفه ای اعضای هیات مدیره و هیات عامل اشخاص تحت نظارت نیز معیارهای تایید صلاحیت توسط بانک مرکزی مشخص نیست. این معیارها باید در قانون مشخص شود.

99- در ماده 43 اصطلاح «در معرض خطر قرار گرفتن» ابهام دارد. چه مصادیقی مشمول این موضوع می‌شوند؟ قابلیت این را دارد که هر موضوعی را مشمول آن دانست. «مورد نظارت قرار دادن» موسسات اعتباری یا شرکت‌های موضوع این ماده توسط بانک مرکزی نیز مبهم است. باید مشخص شود منظور از نظارت مزبور چیست.

100- در جزء 9 بند الف ماده 37 شرایط صلاحیت عمومی و حرفه ای باید مشخص و در قانون بیان شود.

101- در بند الف ماده 44 «مقررات احتیاطی» تعریف نشده است. منظور از این مقررات چیست؟ ابهام دارد. همچنین ابلاغ مقررات مزبور توسط معاونت تنظیم‌گیری مغایر اصل 60 قانون اساسی است. باید توسط خود بانک مرکزی ابلاغ شود که می‌تواند به هرکدام از معاونت‌ها یا بخش‌های مربوطه محول نماید.

102- در جزء 6 بند ب ماده 44، بیان شده است که صورت تفصیلی تسهیلات اشخاص مذکور در جزء 4 و 5 از مواردی است که لزوماً باید در سامانه‌های عملیاتی باید درج شود. در جزء 4 هیچ شخصی وجود ندارد. در جزء 5 نیز از اشخاص مرتبط یاد شده است که پیشتر در ذیل ماده 1 نیز بیان گردید ابهام داشته و محتاج رفع ابهام است.

103- در بند ث ماده 44 در خصوص مجرم بودن سایر اشخاص حقیقی و حقوقی (به جز اعضای هیات مدیره، هیات عامل، کارکنان و سهامداران موثر) در کتمان یا بیش‌اظهاری یا موارد مندرج در ماده 44، این اشخاص چگونه در انجام افعال یا ترک فعل‌های موضوع این ماده موضوعیت دارند؟ ارتکاب این فعل و ترک فعل‌ها صرفاً توسط مدیران و کارکنان موسسات ممکن است.

104- در بند «ب» و «پ» ماده 44 چارچوب مصوب هیات عالی باید با رعایت «قوانین و مقررات» باشد. قید مزبور قید شود.

105- در بند الف ماده 47 قید «به صورت خاص» زائد است و حذف شود.

106- در بند ب ماده 47 اعطای نمایندگی توسط بانک مرکزی به اشخاص حقیقی یا حقوقی برای انجام اموری که به تشخیص هیات عالی قابل واگذاری یا برون‌سپاری است، ابهام دارد. اینکه چه مواردی قابل واگذاری و برون‌سپاری است مشخص نیست و باید در قانون مشخص شود. ضوابط این امر هم مشخص نیست و نیاز به تقنین دارد.

107- در ماده 51، نخست اینکه منظور از پول‌های رمزپایه مشخص نیست و باید در قانون تعریف شود. دوم، شرایط صدور مجوز در حوزه‌های نظام‌های پرداخت، فناوری‌های نوین، پول‌های رمزپایه و نهادهای فعال در این حوزه‌ها مشخص نشده است. همچنین عبارت «و همچنین نهادهای فعال در این حوزه‌ها» زائد است. صدور و مجوز و نظارت در حوزه‌های مزبور قاعدتاً شامل اشخاص فعال در این حوزه‌ها می‌شود و نیازی به ذکر اشخاص فعال نمی‌باشد. مضافاً اینکه اصطلاح «نهادهای فعال» مبهم است و مشخص نیست منظور چه نهادهایی می‌باشد. در قانون باید تعریف شوند.

108- در ماده 52، تعیین کارکنان موثر بانک مرکزی به تشخیص هیات نظار، مبهم است. باید در قانون تعیین شود که منظور از کارکنان موثر چه کسانی هستند.

- 109- در جزء 1 بند الف ماده 52 بیان شده که فهرست دارایی‌های «فرزندان تحت تکفل» بیان شود. دارایی برای فرزندان غیر تحت تکفل بیشتر موضوعیت دارد و باید این دسته از فرزندان هم ذکر شوند. در اصل 142 قانون اساسی نیز لزوم ارائه دارایی فرزندان برای اشخاص موضوع اصل مزبور به صورت مطلق مقرر شده است.
- 110- در جزء 2 بند الف ماده 52 بیان شده که فعالیت‌های اقتصادی فرزندان تحت تکفل در 5 سال گذشته بیان شود. در حالی که فعالیت اقتصادی داشتن فرزند تحت تکفل، اصولاً موضوعیت ندارد. فعالیت اقتصادی اصولاً برای فرزندی که تحت تکفل نیستند موضوعیت دارد.
- 111- در بند ب ماده 52 منظور از بستگان درجه یک، درجه یک از هر سه طبقه است یا صرفاً طبقه اول؟ ابهام دارد و باید مشخص شود. عبارت «مرتبط با منافع خود یا بستگان درجه یک او» نیز مبهم است. منظور از ارتباط چیست؟
- 112- در بند ت ماده 52 بیان شده فرزندان تحت تکفل اشخاص موضوع این ماده نباید سهامدار موثر یا عضو هیات مدیره یا هیات عامل یا مشاور اشخاص تحت نظارت باشند. در حالی که برای فرزندان تحت تکفل اشخاص، تصدی این سمت‌ها موضوعیت ندارد.
- 113- در بند ث ماده 52 «ارتباط مدیریتی یا مشاوره‌ای» اشخاص مندرج در بند مزبور، مبهم است. بهتر است عضو هیات مدیره یا مدیر یا مشاور قید گردد. همچنین در خصوص لزوم اطلاع این ارتباط به هیات نظار، از فرزندان غیر تحت تکفل که بیشتر در معرض فعالیت‌ها و ارتباطات هستند، سخنی گفته نشده است. همچنین شامل بستگان سببی همانند برادر همسر نیست. با توجه به اینکه صرفاً اطلاع داده می‌شود، گستره وسیع داشتن افراد موضوع حکم ایرادی ندارد.
- 114- در بند ج ماده 52 باید قید شود که پرداخت 5 برابر حقوق دریافتی باید به موجب حکم دادگاه باشد.
- 115- در بند چ ماده 52 منظور از «همکاری» اشخاص موضوع این ماده با اشخاص تحت نظارت مشخص نیست. آیا همکاری‌های مندرج در بندهای (پ)، (ت) و (ج) منظور است یا موارد دیگر؟ مشخص شود. در خصوص الزام به پرداخت حقوق و مزایای دریافتی در دوران مسئولیت نیز آیا منظور حقوق و مزایای دریافتی از بانک مرکزی است یا حقوقی که بابت همکاری از شخص تحت نظارت دریافت شده است؟ ابهام دارد.
- 116- در بند ح ماده 52، مقررات مربوط به برقرار رابطه مالی بین اشخاص موضوع این ماده با اشخاص تحت نظارت، با عنایت به ماهیت آئین نامه ای داشتن و اصل 138 قانون اساسی باید به تصویب هیات وزیران برسد.
- 117- در بند خ ماده 52، تعیین حداقل مبلغ لازم به اعلام به هیات نظار در ارتباطات مالی با اشخاص تحت نظارت، صحیح نیست. چون صرف اطلاع است تعیین حداقل نیاز نیست.
- 118- در بند خ ماده 52 ارجاع تخلف همه اشخاص موضوع ماده به هیات تخلفات اداری موضوعیت ندارد همانند روسای سه قوه. تصریح شود که تعیین جریمه موضوع این بند باید به موجب حکم دادگاه باشد.
- 119- در بند الف ماده 53 به جای ذکر دستگاه‌های مزبور «کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده 5 قانون مدیریت خدمات کشوری» قید شود. همچنین حداکثر انفصال از خدمت در این بند معین نشده است. مضافاً ماده مورد نظر در قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی مشخص شود.
- 120- در بند ب ماده 53 عبارت «به صورت موثر» مبهم است. حداقل حبس نیز مشخص نشده است.
- 121- در بند پ ماده 53 حداکثر انفصال از خدمت مشخص نیست. عبارت «به صورت موثر» مبهم است.
- 122- در بند الف ماده 54 بیان شده تضمین بدهی‌های دولت به جز مواردی که در این قانون مجاز شده، ممنوع است. در حالی که در این قانون موارد مجاز بیان نشده و ممکن است در سایر قوانین بیان شده باشد. قید «قوانین» ذکر شود.

- 123- در بند ت ماده 54 دو عبارت صدر و ذیل از یکدیگر جدا شوند تا ایجاد ابهام ننماید. ممنوعیت انجام ندادن تکلیف قانونی به دلیل ورود زیان و هزینه مالی یا غیرمالی ایجاد ابهام می‌نماید. مفهوم مخالف آن این تردید را مطرح می‌سازد که عدم انجام ندادن تکلیف قانونی به دلایل دیگر مجاز است.
- 124- ضمانت اجرای ممنوعیت‌های مقرر در ماده 54 مشخص نشده است. باید مشخص شود این ممنوعیت‌ها تخلف هستند یا جرم و ضمانت اجرای عدم رعایت آنها چیست؟
- 125- در ماده 56 مرجع تعدیل جریمه‌های نقدی مشخص نشده است. چه مرجعی تعدیل می‌نماید؟ همچنین در خصوص تخصیص معادل جریمه دریافتی از حساب خزانه به حساب صندوق ضمانت سپرده‌ها، مغایر اصل 53 قانون اساسی است. هرگونه برداشتی از حساب درآمد عمومی و خزانه باید در قانون بودجه پیش‌بینی و مقرر شود.
- 126- در ماده 57، عبارت حاضر پیشنهاد می‌شود: «مادام که در قوانین بعدی نسخ و یا اصلاح مواد و مقررات این قانون صریحا و با ذکر نام این قانون و ماده مورد نظر قید نشود معتبر خواهد بود».
- 127- در ماده 58 مواد مذکور در این ماده از قانون پولی و بانکی برای نسخ شدن، جامع نیست. برای مثال در بند ج ماده 30 قانون پولی و بانکی به صلاحیت شورای پول و اعتبار در خصوص صدور مجوز بانک‌ها اشاره شده است، در حالی که در قانون جدید این صلاحیت تغییر و حکم جدید در خصوص آن مقرر شده است، اما در ماده 58 این ماده جزء مواد منسوخ اعلام نشده است. بهتر است که جایگزینی هیات عالی با شورای پول و اعتبار به صراحت بیان گردد. همچنین، اینکه قانون مغایر (قانون پولی و بانکی) 6 ماه بعد از لازم الاجرا شدن این قانون نسخ شود صحیح نیست. با لازم الاجرا شدن قانونی، قانون مغایر نسخ می‌شود و تعیین مدت صحیح نمی‌باشد.

با احترام

کمیته نظارت و کارآمدی مجلس (اصل ۹۰)

کارگروه پولی و مالی